

# "سینار کارز اساسی"

سخنرانی

عصر ۲۷/۳/۱۳۵۸

اتحاد ملی زنان

مردم دلاور ایران، با سامان دادن بیکاری سترگ، سرانجام به حاکمیت نظام شاهنشاهی پایان بخشیدند. نظامی که کودتا، سند وابستگی اش، سلاح، عداوت فرماندهیش، سانسور و خفقان، ضامن بقای قدرتش و رستاخیز، حزب فراگیرش بود.

یاد شهدای این بیگار حماسی به عنوان بیشتازان پرافتخار جامعه نوین جاوید خواهد ماند. آنان در قلب بزرگ تاریخ مبارزات زحمتکشان و ستمدیدگان خواهند بایستد. با دشان گرامی و راهبازان بایدار. اینک بر ماست که چون بوسندگان راستین و رهروانی سوول، آمال آنان را که برای نیل به استقلال و آزادی قدم به راه نهادند، تحقق بخشیم.

اگر میبپذیریم که سیر بحاطر افزایش رفاه و پیروی شرایط زندگی خویش و تنظیم مناسبات اجتماعی خود نیازمند وضع قوانین است، و قوانین لزوماً "عباسست در خدمت با سخگونی به نیازهای مردم و انسانی عناصر تشکیل دهنده جامعه مشابه یک وسیله در حیت تحقق اهداف آنان قرار گیرند، امروز به اهمیت و طیفه خطیر هر ایرانی در برخورد به کیفیت قانون اساسی نوین ایران، بیش از پیش پی خواهیم برد. حصول به آرمانبائی بزرگ و انقلابی، چون نامین آزادیبائی اجتماعی و سیاسی، استقلال و برخورداری از امکانات مساوی حقوقی، از طریق تحریک جامعه به بزاری مناسب در نامین این مبهم میسر نخواهد بود. چرا که قانون، باید تجلی اراده ملی باشد، برای همه یکی باشد، از همه حمایت کند و همگان را به ادای مسئولیت فراخواند.

ما در آغاز سخن خود، با تکیه بر درک نیازها و خواستهای حقه مردم ایران به طرح پیشنهادات خود در زمینه تامین حقوق فردی و آزادیبائی اجتماعی که کلبه همه موطنان ایرانی باید بصورت مساوی از آن برخوردار گردند، میبرداریم. ما بر آنیم که قانون اساسی ایران باید در جریان تدوین خود بسند نامین این حقوق بمناب ضرورتی خدنه ناید بر نگریسته و با عملکرد خود، زمینه مشارکت خلاق عموم مردم ایران را در تعیین سرنوشت خود فراهم آورد. و از گامهای نخستین این روند، تشکیل مجلس موسسان از نمایندگان منتخب مردم میباشد. مجلسی که بتواند از طریق انتخاب دموکراتیک نمایندگان آن، خواستههای کلیه اقشار و طبقات مردمی را انعکاس دهد. مجلسی که نمایندگان آن به ازای ضابطه مشخصی از تعداد جمعیت هر شیخ و روستا انتخاب کردند. ضابطه ای کمی که در عین حال غنای کیفیت انتخاب را نیز تامین نماید. مجلسی منتخب از نمایندگان مردم که قدرت تقنینی داشته باشد. هیچگونه مجمع و یا هیاتی از قبیل هیات مشورتی و یا مجلس خبرگان حتی اگر انتخابی باشد، نمیتواند و نباید جانشین مجلس انتخابی موسسان باشد. حد. بی مجلس موسسان و بهر فراندوم گذاشته قانون

اساسی یعنی نفی مشارکت خلاق مردم در تدوین آن، یعنی نفی حقوق دموکراتیکی که مردم میسر  
تابای جان بخاطرش در روز نگاه حسنگیدند. جز قانون اساسی مصوب مجلس نمایندگان منتخب مردم، ما هر  
قانونی را بی اعتبار و اعلام سیداریم، اتحاد ملی زنان، مفاد ذیل را بمثابة حداقل خواستهای مردم ایران  
در جیت تحقق اهداف دموکراتیک انقلاب ایران اعلام میدارد.  
حقوق و آزادیهای فردی.

از آنجا که انسانها از زن و مرد، آزاد به دنیا می آیند و هم از موهبت عقل و وجدان برخوردارند  
و باید از لحاظ حیثیت و حقوق اجتماعی نیز به تساوی برخوردار باشند.  
آزادی عقیده و بیان.

هر زن و مرد از جامعه ایران، باید در نهایت آزادی، حق ابراز نظر و عقیده و بیان داشته باشد.  
بی آنکه از اظهار این عقاید در جامعه هراسناک باشد. هر انسانی آزاد است، هر آنچه میخواهد  
بگوید، بنویسد، منتشر کند و به چاپ برساند. هر فرد باید بتواند آزادانه در صد کسب اطلاعات  
و شناسائی افکار برآید و در اخذ و انتشار آن خواه بطور شفاهی و یا به صورت نوشته با چاپ و یا به  
صورتبهای گونهگون هنری از طریق کتبه و سائل ممکن، بدون هیچگونه ملاحظه ای عمل نماید.  
هر فرد باید بتواند از عقیده و نوشته خود دفاع کند تا جائیکه به آزادی دیگران لطمه ای وارد  
نسازد.

هر ایرانی باید از حق آزادی اندیشه و مذهب بی بهره نماند و در عین حال این امر متضمن  
آزادی تعییر مذهب با عقیده نیز باشد. آزادی اظهار عقیده و ایمان، و نیز آزادی تعلیمات  
مذهبی و اجرای مراسم دینی باید تامین شود و هر کس میتواند از این حقوق منفردا "یا مجتمعا"  
به طور خصوصی و یا عمومی برخوردار گردد. هیچکس را نباید بخاطر اعتقادات خاص، اعم از  
اعتقادات مذهبی، سیاسی و غیره مورد تعقیب قرار داد. هیچکس را نباید بخاطر داشتن عقاید  
خاص از کار برکنار نمود. نخطی از این امر در حکم تجاوز و تعدی به حقوق مسلم مردم ایران  
تلقی گردیده و خاطی باید از طریق مراجع ذیصلاحیت مورد تعقیب و محازات قرا گیرد. همه افراد  
باید حق داشته باشند که خواهان استقرار نظمی گردند که از لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی  
گرفته اند و حقوق و آزادیهای مورد انتظار خود را که در سندی به نام قانون اساسی تصریح  
کرده اند، طلب کنند.

آزادی اجتماعات.

هر ایرانی بامر مرام و عقیده باید از آزادی تشکیل محامع و جمعیتها، احزاب و اتحادیهها  
و سندیکاها برخوردار باشد. در عین حال هیچکس نباید به حرکت در اجتماعی محبوس و از

شرکت در اجتماعی باز داشته شود.

هر فرد باید آزادانه قادر باشد، در انتقاد و اعتراض به دولت یا توسل به تظاهرات، تحصن، اعتصاب و غیره نظرات مخالف خود را در برابر نظام حاکم بیان کند. آزادی بیان، مطبوعات مبتنیگ و تظاهرات خیابانی باید برای کلیه اتباع ایران، تضمین گردد. هنگامیکه دولتست به آزادیها و حقوقی که در قانون اساسی پیشبینی و تصریح شده است، تجاوز کند، مقاومت بهر شکل مجازات و جزاء مقدسترین حقوق فرد و مهمترین وظائف است.

قانون اساسی باید متضمن آزادی فعالیت‌های اتحادیه‌ها و سندیکاها و مختلفه که با خواست نیروهای مردمی در جامعه تشکیل میشوند، باشد. هر ایرانی باید حق اجتماع آزادانه بسا دیگران را داشته باشد، از جمله حق تشکیل سندیکا و الحاق به آن.

حقوق خصوصی و فردی:

همه افراد در زندگی خصوصی، اقامتگاه، مکالمات و مکاتبات خود آزادند. و بهیچوجه نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع گردند و شرانست و اسم و رسم آنها نباید مورد حمله قرار گیرد. هرکس حق دارد که در مقابل اینگونه مداخلات و حملات از حمایت قانونی برخوردار گردد.

تساوی حقوق:

نیک میدانیم که در شرایط نابرابری اقتصادی، انسانها از برابری اجتماعی نیز محرومند. زحمتکشانی که نیروی بازوان خود، سرمایه دیگری ندارند و از کودکی، این یگانه‌ها میلک خود یعنی نیروی کارشان را در بازار به مثابه کالا عرضه میکنند، هرگز امکان و فرصت رشد استعداد و پرورش توانائیهای فکری نمیابند و حاصل آنکه حوزه نفوذ اجتماعی آنان نیز محدود میگردد. بنابراین سخن از برابری اجتماعی گفتن در شرایط حاکمیت نابرابری اقتصادی، بیپوده گوئی است. اما در موقعیت ویژه‌ای که در دوران انقلابی راسبری کرده و پیروزیهای بدست آمده، مدیون همان نیروهای زحمتکشی است که خلا آن در جنبش میتوانست سرنوشت انقلاب مردم را بنحوی دیگر قلم زند. مادریک از واقعیت عدم برابری اقتصادی و اجتماعی نیروهای مختلف در عین حال معتقدیم که باید به وضع قوانینی پرداخت که لااقل در برابر آن، کلیه افراد مساوی باشند.

همه افراد مستقل از اصل و نسب، وضع اجتماعی، دارائی، تعلق نژادی و ملی، جنسیت، تحصیلات، زمان، مذهب، مذهب و سیاسی، نوع و خصلت تغل، محل سکونت و عوامل دیگر باید در برابر قانون مساوی باشند. برابری حقوق کلیه اتباع کشور ایران، در کلیه مشئون

زندگی اقتصادی و سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باید تامین گردد.

زنان که نیمی از جمعیت مین مارا تشکیل میدهند، در طی تاریخ همواره مورد ستیم فرهنگی قرار داشته‌اند. ستمی که خود معلول مناسبات استثمار میباشند و بی‌میل لحاظ در جامعه مردسالار چون ایران به زنان هرگز در برابر قانون از تساوی حقوق با مردان برخوردار نبودند. آنچنانکه حتی از نایر بریما هم سهم برابر نبرده‌اند. تبعیض نسبت به زنان آنها را از برابری در حقوق مسلم انسانی با مردان، محروم و یا محدود میسازد و این امر در اساس غیر عادلانه بوده و توهین به حیثیت انسانی تلقی میگردد. شرکت زنان در جنبش انقلابی مردم ایران، به وضوح به همگان ثابت کرد که نیروی زنان به عنوان یک نیروی بالقوه در جامعه به صورتی خلاق به عمل درآید، زنان قادر خواهند بود، تحرک عظیمی در کلیه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به بار آورند. اگر میبپذیریم که نقش زنان در جریان مبارزه انقلابی علیه نظام ستم و استثمار عمده و تعیین کننده بوده است، پس از حصول پیروزی، باید حقوق حقه زنان به عنوان عناصر متساوی با مردان شناخته شود و خواستهای آنان در قوانین ملحوظ گردد.

بنابراین اصل برابری حقوق مرد و زن میباید در قانون اساسی صراحتاً "گنجانده شود". زن و مرد باید در برابر قانون برابر باشند و ملاک تعیین کننده موضع و موقعیت اجتماعی آنان باید لیاقت و کفایت، تخصص، تجربه، دانش و مهارت آنان باشد. ضمن آنکه کلیه اتباع ایران اعم از زن و مرد باید از جمیع آزادیهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فردی که در قانون اساسی و قوانین ایران اعلام و تضمین خواهد شد باید برخوردار گردند. همه افراد باید در مقابل قانون متساوی بوده و بدون هیچگونه تبعیض و استحقاق حمایت بالسویه از قانون را دارا گردند. نظام حکومتی ایران باید توسعه حقوق و آزادیها و بهبود مداوم شرایط زندگی اتباع کشور را همسراه با اجرای برنامه‌های رشد اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی تامین نماید.

در کشور ایران، زن و مرد باید از حقوق برابر، برخوردار گردند. تحقق این امر باید از طریق ایجاد امکانات برای زنان برابر با مردان در زمینه‌های مختلف تامین گردد. این زمینه‌ها شامل تحصیلات و آموزش حرفه‌ای، کار و یاداش کار، ترفیع رتبه و مقام در فعالیت‌های اجتماعی سیاسی، نظامی و فرهنگی میگردد.

هر زن و مرد ایرانی حق دارد در اداره امور دولتی و اجتماعی، در بحث و تصویب قوانین و اتخاذ تصمیمات مهم کشوری، محلی شرکت جوید. این حق از طریق امکان انتخاب کسب و انتخاب شدن در ارگانهای انتخابی از قبل انجمن‌ها و شوراهای سازمانهای اجتماعی و دولتی

نامین گردد. زن و مرد باید حق داشته باشند که با تساوی شرایط، مشاغل عمومی کشور را احراز نمایند. بدیهی است که در شرایط قائل شدن حقوق برابر برای زنان و مردان چنانکه پیش نویس قانون اساسی نیز در شکل عام مطرح میکند. سلب حق قضاوت از زنان بمنزله اقدامی واپسگرا تلقی میگردد و قانون اساسی باید به صراحت این حق را که در اثر مبارزات پیگیر زنان حاصل آمده است قید نماید و آنرا موکول به تفسیر نسازد. بالاخص در شرایطی که زنان شایستگی خود را در این امر به ثبوت رسانیده اند، و بویژه آنکه زنان در حرکات عمومی اجتماعی، سیاسی و مبارزاتی خود همواره به قضاوت مینشینند و حرکات اجتماعی و مبارزاتی آنان نیز معلول و حاصل داوریهای آنان میباشد. سلب چنین حقی از زنان، برتری طلبانه، مردسالارانه است و زنان در برابر چنین تحمیلی، سکوت نگرده و آنرا نخواهند پذیرفت. چه، سلب این حق، به مفیوم مورد سوال قرار دادن قدرت تفعل و تفکر انسانی است، انجام وظائف مادری در تربیت فرزند نیز همچون دیگر فعالیت های اجتماعی، نیازمند قدرت سنجش و به قضاوت نشستن است. در هنگام بیکاری، هر فرد حق دارد از حق بیمه بیکاری برخوردار باشد و مورد حمایت قرارگیرد. همچنین اقدامات اختصاصی در زمینه ایجاد شرایط ایمنی کار و حفظ تندرستی زنان، حمایت مادی و معنوی از مادران و کودکان و از آن جمله مرخصی با حفظ حقوق و قائل شدن امتیازات دیگر برای زنان باردار و ایجاد مهد کودک در محیط کار و غیره باید صورت گیرد. دولت باید اقدامات مقتضی برای ایجاد شرایط عادلانه و مساعد کار بویژه آنچه که در ذیل میاید به عمل آورد.

الف : مزد منصفانه و اجرت مساوی با کار با ارزش مساوی بدون هیچ نوع تمایز، بویژه آنکه زنان تضمین داشته باشند که شرایط کار آنان در سطحی نازلتر از مردان نبوده و برای کار برابر، مزد برابر با مردان دریافت کنند.

ب : ایمنی و بهداشت کار

پ : تساوی شرایط و موقعیت برای هرکس که بتواند در زمینه خدمات اجتماعی به مدارج عالینتری ارتقاء یابد، بی آنکه ملاحظات دیگری جز سوابق خدمت و لیاقت و تبحر در نظر گرفته شوند.

ت : استراحت، فراغت و محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی اداری با استفاده از حقوق.

ث : تعیین حداقل سن کار برای نوجوانان. دولت باید موظف باشد که شرایط عینی تحقق

این ماده را فراهم آورد. چه در غیر این صورت کودکانی که از نظر اقتصادی دچار محرومیت میباشند، نه برای این ماده قانون ضمانت اجرایی قائل خواهند بود و نه برای آن ماده که تحصیلات ابتدائی را اجباری کند. چه، برای انسان گرسند و یا برهنه،

### رفع نیازهای انسانی ...

د . حق اعتصاب بمنظور اعتراض به شرایط کار و افزایش حقوق باید تضمین گردد .

### حقوق خانوادگی :

هر زن و مرد بالغی حق دارند ، بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد ، ملیت ، تابعیت و اعتقادات بایکدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده بدهند و در اثنای مدت زناشویی و هنگام انحلال آن زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق متساوی باشند . ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد صورت گیرد .

کلیه اقدامات لازم بخصوص با وضع قوانین باید به عمل آید تا برابری زنان مجرد یا شوهردار با مردان در زمینه حقوق مدنی بویژه در زمینه های ذیل تامین گردد .

الف - حق کسب ، اداره ، استفاده ، فروش ، واگذاری و ارث بردن اموال ، از جمله اموالی که در مورد زناشویی به دست آمده .

ب - حق برابری در اهلیت قانونی و اعمال آن .

پ - برخورداری از حقوق مساوی با مرد در قوانین مربوط به تغییر مکان .

هر فرد باید حق داشته باشد از حداقل شرایط زندگی و رفاه برای خود و خانواده بهره مند گشته و از حیث خوراک ، مسکن ، مراتب های پزشکی و خدمات لازم اجتماعی برخوردار گردند .

از آنجا که کودکان ، سازندگان فردای جامعه اند ، توجه مخصوص جامعه به مسائل رفاهی آموزشی و روانی کلیه کودکان و نوجوانان یک ضرورت است و دولت باید راساً " عیله دار نگهداری و آموزش کودکان بی سرپرست و با کودکانی که از تنعمات حاصل از داشتن خانواده بی بهره اند را بمنابع امری ضرور و عمده در زمره وظائف خود قرار دهد .

قانون اساسی باید در جزئیات و به صراحت حقوق برابر زنان با مردان را تضمین نماید هرآینه طرح ضوابط اخلاقی در تنظیم مناسبات اجتماعی کفایت مینمود ، نیاز به تدوین قانون نیز از میان میسرست چه طرح ضوابط اخلاقی و بیچیدن مواد قانونی در لایه های از اینهاست نمیتواند توضیح روشنی به تخییقات عملی موجود بدهد . هم اکنون سندی که اجرای مفاد قانون حمایت خانواده را معلق میگذارد ، موجود است ، قانون حمایت خانواده علیرغم کلیه کاستی ها و نارسائیهایش در ارتباط با حقوق زنان ، بمراتب پیشرفته تر از آنچه چیزی است که در بخشنامه های مقامات امروز مورد تأیید قرار میگیرد . ما برآنیم که قانون حمایت خانواده هیچگاه نتوانسته است از تصبیع حقوق زنان جلو گیرد ولی ابعاد احقاقیات معموله را تا اندازه ای تعدیل نموده است بنابراین بهتر است

قانون اساسی از عامگونی بهره‌یزد و ضوابط مطروحه در اصل ۱۱ جای خود را به ضوابط مشخص حقوقی دهد. اصل ۱۳ پیش‌نویس قانون اساسی که عمده وظیفه تربیت فرزندان و بالخصوص دختران را به عیبه مادران گذاشته از ایجاد امکانات مادی و معنوی برای آنان سخن میگوید تا بتواند به فراغت بال و وظیفه پرارج مادری و مسئولیت‌هایی بردارند که در جامعه انقلابی اسلامی بر عیبه دارند. نخست آنکه اگر بر طبق اصل ۲۲، همه افراد ملت اعم از زن و مرد در برابر قانون مساویند چرا تربیت فرزند دختر از فرزند پسر جدا می‌شود. مفهوم این تمایز چیست؟ ثانیاً آن امکانات مادی و معنوی که بخاطر تربیت فرزند باید برای زنان ایجاد گردد، کدامند؟ شاید مراد نویسنده از آن رجعت دادن زنان به چهار دیواری تنگ و محدود اقتصاد خانواده باشد؟ کلیه عقب‌ماندگی‌های اجتماعی و فرهنگی زنان معلول جدا افتادن آنان از عرصه تولید در طی تاریخ بوده است. زنی که در تولید اجتماعی شرکت نداشته باشد، در عین حال فاقد آن درایت اجتماعی لازم برای تربیت فرزند نیز خواهد بود و سرانجام مسئولیت‌هایی که اصل ۱۲ بر عیبه زنان میگذارد از چه نوعند؟ اگر هدف آن باشد که معتقدان به مرد سالاری، مسئولیت‌های زنان را در این خلاصه کنند که شیران نر بپرورند و در ازایش بیشتر را به مادران وعده دهند، زنان آماده‌اند که این بی‌بست موعود را در ازای رهائی از اقتصاد محدود خانگی و محیط خردتی آور آشپزخانه به مردان نویسنده این متن تفویض نمایند.

برای ارتداد افکار عمومی و هدایت جامعه به سمت رشد و جهت ریشه‌کن ساختن تعصبات سنتی و برای الغای رسوم و سننی که زن را حقیر می‌انگارد، لازم است کلیه تدابیر لازم اتخاذ گردد. کلیه مواد قوانین مدنی گذشته که نسبت به زن تبعیضاتی را وارد داشته‌اند، باید لغو گردند. زنان باید در کسب، تغییر و یا حفظ ملیت خود همان حقوق برابر با مردان را دارا باشند. هرگونه تدبیر مقتضی از جمله وضع قوانین باید اتخاذ گردد تا زمینه‌های اجتماعی فحشاء از بین برود. کلیه اتباع ایران حق تحصیل دارند. این حق از طریق رایگان بودن تحصیل، تحقق آموزش حرفه‌ای و فنی، آموزش تحصیلی متوسطه و عالی باید تأمین گردد. نامین این حق بر پایه پیوند آموزش با زندگی و تولید از طریق گسترش آموزش‌های غیایی و شبانه، پرداخت کمک هزینه تحصیلی دولتی به دانش‌آموزان، تأمین امکان آموزش به زبان مادری در دیستان، دبیرستان و فراهم ساختن شرایط لازم برای خودآموزی، میسر است آموزش ابتدائی باید اجباری باشد. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و امکانات آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل برای همه موجود آید. دولت باید با این آرمان که رشد آزاد فرد، شرط رشد آزاد همگانی است توسعه امکانات و اجتماعی افراد را برای کاربرد نیروهای خلاق استعداد و قریحه خویش و برای رشد همه‌جانبه شخصیت انسانی، هدف خود قرار دهد. دولت موظف است با

گسترش امکانات خود موجبات ارتقاء سطح آموزش اجباری را فراهم آورد.

هر ایرانی باید در برابر قانون بیگناه شناخته شود، مگر اینکه تقصیر او به ثبوت برسد و هر عمل شديدي که اعمال آن درباره متهم ضرور نباشد، باید بسختی مورد مجازات واقع گردد.

هر ایرانی حق آزادی و امنیت شخصی را باید دارا باشد. هیچکس را نباید بدون مجوز دستگیر بازداشت و زندانی کرد. از هیچکس نباید سلب آزادی کرد، مگر به جهات مقرر در آئین دادرسی و به حکم قانون.

احدی را نباید خودسرانه توفیق، حبس یا تبعید نمود. هر کسی که دستگیر شود، باید در هنگام دستگیری از جهات آن مطلع شود و در اسرع وقت اخطارهای مبنی بر تصریح اتهامات وارده بر وی دریافت دارد. هر فرد حق دارد که به دعوی او بطور منصفانه و علنی در دادگاهی صالح، مستقل و بیطرف که تشکیل آن مطابق با موازین قانونی است، رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقایق اتهامات وارده علیه او اتخاذ تصمیم نماید.

احدی نباید تحت شکنجه (از جسمانی و روانی) مجازات یا رفتار قرار گیرد که ظالمانه و برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد. این ماده را به هیچوجه نباید با تبصره و ماده مشروط نمود. در صورت تخلف از این اصل، خاطی باید طبق موازین قانونی تحت پیگرد قرار گیرد.

اصل ۳۶ پیش نویس قانون اساسی شکنجه بدنی یا روانی را تنها جهت اقرار گرفتن ممنوع خوانده است. و میتواند چنین مفهوم گردد که شکنجه در شرایط مجازات و غیره جایز می باشد. این اصل مردود است و باید صراحتاً "اعمال هرگونه شکنجه تحت هر شرایط و موقعیت ممنوع اعلام گردد."

لازم به تذکر است که قوانین و سایر مقررات حقوقی، نباید مفایر قانون اساسی باشد. تفسیر و کاربرد تمام مقررات حقوقی لزوماً باید با قانون اساسی منطبق باشد.

باعتبار ما، قانون اساسی حتی المقدور باید جامع و صریح بوده و در تدوین حقوق، وظایف و آزادیهای فردی و اجتماعی در جزئیات بکوشد و بدینسان از ضرورت تفسیر قوانین پس از تدوین آن، جلوگیری کند. قانون صریح و جامع نیازمند تفسیر نیست.

اتحاد ملی زنان در اینجا با اعلام خواستهای خود در ارتباط با تدوین مفاد قانون اساسی نوین کشور ایران در زمینه حقوق اساسی، آزادیهای دموکراتیک و تساوی حقوق اتباع ایران بایان می بخشد ولی باری دیگر باتکیه بر این اصل بنیادین که قانون باید تجلی اراده مردم باشد، حامی همگان باشد و همه را به ادای مسئولیت فراخواند، یادآور می شویم که همه قدرت دولت ناشی از اراده و حاکمیت مردم است و قانون اساسی باید تضمین کننده این رابطه باشد.